

## شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی

زهرا خدایی<sup>۱</sup>، علی اکبر تقوایی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی - دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۲</sup> دانشیار گروه شهرسازی - دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۷/۰۱

### چکیده

با توجه به تفاسیر متفاوتی که در مورد «شهر و شهرسازی اسلامی» ارائه می‌شود، شناسایی شخصیت شهر اسلامی می‌تواند در تحلیل شهرسازی اسلامی مؤثر واقع شود. مفهوم شهر اسلامی که شرق‌شناسان به کار برده‌اند، مبتنی بر این فرض است که اسلام یک نظام ارزشی کامل است و تمام الگوها و رفتار سازمان اجتماعی را تعیین می‌کند. در این مقاله سعی شده است با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و از شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری به تحلیل شخصیت شهر اسلامی پرداخته شود. به همین جهت، با تبیین ویژگی‌هایی که برای شناخت و تعریف هر پدیده لازم است، مقاله حاضر بر آن خواهد بود تا این ویژگی‌ها را برای شهر اسلامی استنتاج نماید و با تبیین پیدایش و توسعه شهر اسلامی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن، بنیاد و ماهیت کالبد شهری را بررسی کند. در این باره به مؤلفه‌های کالبدی (اجزای ثابت) شهر اسلامی اشاره شده است. علاوه بر بررسی ساختار کالبدی، نحوه مواجهه با اشکال و مدل‌های شهر اسلامی که در تحلیل شخصیت شهر اسلامی از اهمیت و منزلت خاصی برخوردار است، مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، تأثیر اسلام بر شیوه زیست و هویت ساکنان شهر با در نظر گرفتن کلیه جوانب زیست شهری، بررسی شده است. نتیجه این مقاله گویای آن است که اصطلاح شهر اسلامی، بیانگر هویت ویژه فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص ساکنان آن است. فضای کالبدی بیش‌تر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که وجود روح مشترک و منتج از مکتب الهی را در آن‌ها تأیید می‌کند. تداوم سیر تاریخی و اصیل اولیه، راهبردی است که می‌تواند در تبلور مجدد مفاهیمی همانند مفهوم شهر اسلامی راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: شخصیت‌شناسی، شهر اسلامی، مدل‌های شهر اسلامی، هویت شهر.

## مقدمه

شهرها و مجتمع‌های زیستی از جمله بارزترین و ملموس‌ترین جلوه‌های فرهنگ بشری هستند که با نمایش فضاهایی عینی و قابل ادراک، بسیاری از مؤلفه‌های فکری و ذهنی متأثر و منتج از آن را بیان می‌کنند. علاوه بر این نوع ارتباط، فضاهای شهری، محیطی فرهنگ‌ساز و تأثیرگذار هستند که می‌توانند در شکل‌گیری نظام زیرساختی و ذهنی جامعه اثربخش باشند. شهرهای اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیستند (دانش، ۱۳۹۰).

نفوذ اسلام در سرزمین‌های مختلف آسیا، آفریقا و اروپا اثر بارز و پویایی داشته است. اسلام، بر طبق گفته‌های فیسل (۱۹۵۶) و حسن (۱۹۷۲) مذهب شهری است. دین اسلام، به عنوان زمینه‌ساز تمدنی شکوفا با شتاب معجزه‌آسا در زمانی کم‌تر از یک قرن، بخش پهناوری از جهان مسکون و مکشوف را - از پیرنه تا هیمالیا - فرا گرفت. از این رو، هم در دگرگونی شهرهای پیشین مؤثر افتاد و هم موجد برپایی و رشد شهرهای جدید با ساختار کالبدی مخصوص به خود شد (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۱: ۹۹). دین اسلام شاید تنها دینی باشد که در شهر شکل گرفت و با توجه به بینش و جهان‌بینی آن، نیازمند توسعه و گسترش شهرها بوده است. در قلمرو این مکتب و به خصوص مذهب شیعی شاهد پیدایش و توسعه شهرهای زیادی بر اساس بینش اسلامی هستیم. این گونه شهرها در دوره مدرن نه تنها کم رنگ نشده‌اند، بلکه رو به گسترش هستند. شهرها و شهرک‌هایی مانند شهرک ابوالفضل و شهرهایی که در اثر دفن بزرگان گسترش پیدا کرده‌اند از جمله این شهرها هستند (ضرابی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶۱). علاوه بر این، توسعه اقتصادی و ویژگی اجتماعی شهرها نیز در تمایزهای ساختاری - کالبدی این گونه شهرها مهم بوده‌اند.

رواج عنوان "شهر اسلامی" و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان (به ویژه "شهر اسلامی" نامیده شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان‌نشین)، با این فرض که این شهرها، از نظر کالبدی، جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده و از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز هستند، از قرن نوزدهم میلادی و توسط مستشرقان آغاز شد. از آن دوران به بعد، "شهر اسلامی" که به شهرهای ساخته‌شده توسط مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد، به مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تتبعات شهری سکونت‌گاه‌های مسلمانان، بر این اساس که با حریم فیزیکی و یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه و فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها هستند، در ادبیات غرب تثبیت شد (نقی زاده، ۱۳۹۰).

چیستی و چگونگی شهر اسلامی در آموزه‌های اسلامی، محمل و منشأ مباحث گسترده و دنباله‌داری بوده است؟ شهر اسلامی، آیا شهری است با مناره‌ها و گنبد‌های متعدد، برخودار از اماکن مذهبی متنوع، دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوایل اسلام و یا شهری است با انسان‌های موحد؟ برای رسیدن به این مهم، لازم است شهر اسلامی از جنبه‌های نظری و دیدگاه‌های مرتبط با آن بررسی شود.

## ۱. شهر اسلامی

پیدایش شهرهای اسلامی از پدیده‌های شگفت‌انگیز قرون وسطا است که مورد توجه بسیاری از خاورشناسان و محققان اسلامی قرار گرفته است. بین مفهوم شهر و جهان‌بینی اسلامی از ابتدای امر، روابط نزدیکی وجود داشته است؛ به طوری که در شهر اسلامی، اولین ایده‌های جهان‌بینی اسلامی توسط افراد درک می‌شود. مفهوم شهر اسلامی که شرق‌شناسان به کار برده‌اند، مبتنی بر این فرض است که اسلام یک نظام ارزشی کامل است و تمام الگوها و رفتار سازمان اجتماعی را تعیین می‌کند. از آن رو، ریخت‌شناسی کالبدی سکونت‌گاه‌ها (شامل شهرها) نیز محصول ایمان اسلامی است و با درک درست از اسلام می‌توان به ساختار شهر اسلامی پی برد. طیف وسیعی از تعابیر و تفاسیر مربوط به اصطلاح شهر اسلامی را می‌توان در دو گروه جای داد:

- برخی منکر وجود شهر اسلامی هستند.

- برخی هر آن چه را که در طول تاریخ در ممالک مسلمان‌نشین بنا گردیده است، شهر اسلامی می‌نامند.

اصطلاح شهر اسلامی منوط به وجود شهری است که مبانی نظری طراحی و ساخت آن (مشتمل بر اصول، ضوابط، معیارها و ...) از متون اسلامی نشأت گرفته باشد؛ البته نحوه پاسخ‌گویی به معیارهای مندرج در زمان و مکان متفاوت خواهند بود و آن چه که لایتبیر است (با توجه به ماهیت ابدی بودن شریعت اسلام) اصول و مفاهیم اسلامی خواهند بود (نقی زاده، ۱۳۷۴: ۴۸).

رواج این اصطلاح و معرفی الگویی خاص برای "شهر اسلامی" از نتایج مطالعات کسانی چون گرانباوم (Von Grunbaum, 1955) و برادران مارکیس (Marcais, W, 1928 Marcais, G, 1945)، در اوایل قرن گذشته میلادی بود. این نظریه به انحای مختلف توسط افرادی با دیدگاه‌های گوناگون مورد تأیید یا نقد و حتی انکار قرار گرفته است. علت اصلی این تنوع و تکرار آن را شاید بتوان در مبانی فکری و میزان تسلط افراد بر تعالیم و جهان‌بینی توحیدی اسلام دانست. علاوه بر این که، اشتباه‌هایی چون "اسلام را مترادف با عرب دانستن"، "عدم توجه به امکانات تجلی متفاوت تعالیم اسلام در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت"، "بی‌توجهی به آثار ناشی از جامعیت و جاودانگی و جهانی بودن تعالیم اسلام" و "ملّی‌گرایی‌های افراطی" در محتوا و چارچوب این آرا مؤثر بوده‌اند (نقی زاده، ۱۳۹۰).

در این میان، باید بین شهر اسلامی و شهر مسلمانان تمایز قائل شد. شهر اسلامی، مکانی است که در آن احکام اسلامی جاری بوده و براساس فرهنگ اسلامی ساخته شده باشد. در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می‌یابد (ایازی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). در تعریفی دیگر، شهر اسلامی، شهری است که براساس مبانی و آموزه‌های مطابقی یا تضمینی و التزامی قرآن و روایات صحیح بنا شده باشد. حال آن که مراد از شهر مسلمانان شهری است «که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند» (شکرانی، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

۱۳۸۳: ۵۳-۵۲). حقیقت این است که شکل منحصر به فرد زندگی خصوصی و ارتباط آن با زندگی اجتماعی، سهم عمده‌ای در شکل‌گیری مناطق مختلف داشت. عواملی چون ساختار خانواده گسترده، حریم شخصی، تفکیک جنسی و تعامل اجتماعی نیرومند به وضوح در شکل ساختمانی متراکم منازل حیاط‌دار متجلی بود. امور اجتماعی و حقوقی تحت کنترل رهبران مذهبی بود که در مکانی نزدیک به مسجد اصلی (نهاد اجتماعی اصلی) و زندگی اجتماعی، زندگی می‌کردند. روابط اجتماعی و فیزیکی میان قلمروهای خصوصی و عمومی میان گروه‌های اجتماعی و محل‌ها، هم چنین نشان‌دهنده قوانین شریعت (قانون اسلامی) بود. اصل حریم شخصی به قانونی تبدیل شد که ارتفاع دیوار را بالاتر از ارتفاع فرد شتر سوار تعیین می‌کرد.

با استناد به متون تاریخی، در شهر اسلامی از همان اوایل، مسلمانان و غیر مسلمانان در نواحی تجاری، در کنار یکدیگر کار می‌کردند و حتی در نواحی مسکونی به صورت آمیخته زندگی می‌کردند. غیر مسلمانان در معاملات تجاری خود به «قاضی» مراجعه می‌کردند و «احساس همشهری بودن» در آن پایتخت، فارغ از تعصبات میهنی بر امتیازهای مذهبی و تباری برتری داشت. در زمینه مقولات کالبدی شهر نیز فضاها به گونه‌ای استقرار یافته بودند که هیچ یک از نیازها و موقعیت‌ها نقش اخلاقی، معنوی و الهی را خدشه‌دار نمی‌ساختند. روابط بنیادی در شهر به گونه‌ای بود که انسانیت و معنویت را در میان ساکنان آن به وجود می‌آورد و هر گونه تبعیض فضایی، اقلیمی که با روح عدالت و تقسیم منابع و امکانات مغایرت داشت، منتفی می‌گردید (غنی زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۴ و ۲۰۲). در خصوص ارتباط و وابستگی متقابل افراد جامعه شهری از دیدگاه اسلام، می‌توان به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران (اهمیت وحدت و تعاون اجتماعی) اشاره کرد. در این آیه اهل ایمان به «مصابره» - یعنی یکدیگر را سفارش به صبر کردن- امر شده‌اند که موجب می‌شود افراد جامعه اسلامی در کنار هم نیروی واحد و متحدی گردند و بتوانند به اتفاق یکدیگر، اذیت‌ها را تحمل نمایند. همچنین به «مرباطه» سفارش شده‌اند که از نظر معنا، اعم از مصابره است. مصابره یعنی اتحاد و پیوستن نیروها در برابر شدائد، اما مرباطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها در جمیع شئون زندگی اجتماعی.

انسجام اجتماعی یکی دیگر از ویژگی‌های شهر اسلامی است که می‌توان با اعمال سازوکارهایی آن را تقویت نمود. چنان‌که متون دینی، روش‌های متعددی را برای چنین امری توصیه می‌کنند؛ به عنوان نمونه آیه ۱۰ سوره حجرات می‌فرماید: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ* یکی از روش‌های ممتاز انسجام اجتماعی را «اشاعه فرهنگ برادری در بین مؤمنین» معرفی می‌کند. زمینه‌سازی برای مشارکت حداکثری شهروندان می‌تواند منجر به تقویت انسجام اجتماعی شود.

### ۳. پیدایش و توسعه شهرهای اسلامی (دیدگاه بنیانی)

نفوذ اسلام به سرزمین‌های گوناگون در آسیا، آفریقا، و اروپا اثرات

شهر اسلامی در ابتدا با نفوذ در پوسته تمدن‌های دیگر و با استفاده از جلوه‌های تجلی آن، نمود پیدا کرد تا نیازهای ابتدایی جوامع تازه مسلمان را پاسخ گو باشد. پس از آن با نضح و استحکام فرهنگ اسلامی و گسترش حیطة آن، نیاز به ساخت مستحدمات جدید افزایش یافت. شهرهای گذشته گسترش پیدا کردند و شهرهای جدید نیز در نواحی مختلف برپا شدند. با پراکنده شدن نوای وحدت‌گرایی آیین اسلام، شهر نیز جلوه‌ای حقیقی و معنوی یافتند و با رعایت اصولی هم‌چون سلسله مراتب، حریم خصوصی، نظم و تعادل در کالبدی پیچ در پیچ، سعی در همسازی با این فرهنگ داشته‌اند. بدین ترتیب قالب شهر اسلامی شکل گرفت و تا قرن‌ها به حیات خویش ادامه داده است. به هر جهت شهر اسلامی در یک کلام، شهر تجلی اسلام است؛ شهر مناسب زیست انسان مؤمن. شهر اسلامی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های مورد احترام جامعه مسلمانان، به طور مداوم راه‌ها و روش‌های مناسب زمان و مکان را می‌جوید و ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای علوم، فنون، تجارب تمدن‌ها و جوامع بشری (در گذشته و حال)، آن‌ها را ابزاری در جهت خدمت به انسان و رشد کرامت‌های والای او در نظر می‌گیرد (دانش، ۱۳۹۰).

### ۲. باورهای فرهنگی - مذهبی و اصول اجتماعی حاکم بر شهر اسلامی

از آن جایی که باورهای مذهبی، کانون یا هسته اصلی زندگی فرهنگی مردم مسلمان را تشکیل می‌دهد، مسجد همواره در سلسله مراتب نهادی و مکانی از جایگاه عمده و کانونی برخوردار بوده است. علاوه بر این که باورهای فرهنگی تفکیک‌کننده زندگی خصوصی و عمومی به نظام مکان میان مصارف و مناطق نظم بخشیده است. در نتیجه، طرح شهری شامل خیابان‌های باریک و بن‌بست‌های جداکننده قلمروهای خصوصی و عمومی از یکدیگر شد. به همین دلیل، در این شهرها هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی سر و کار داشته باشد، از کاربری مسکونی (خانه‌های شخصی) جدا و در مناطق عمومی خیابان‌های اصلی متمرکز شده است.

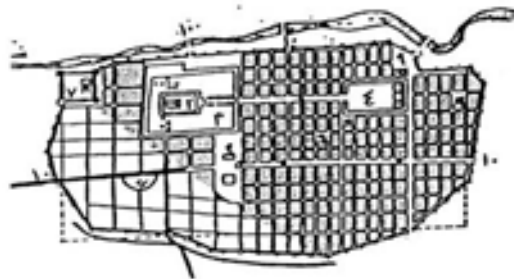
سازمان اجتماعی جامعه شهری بر اساس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خاستگاه‌های قومی و هم‌خونی مشترک استوار بوده است. بنابراین توسعه در جهت برآورده ساختن این‌گونه نیازهای اجتماعی بویژه اتحاد خویشاوندی، دفاع، نظم اجتماعی و اعمال مذهبی در حرکت بوده است (ضرابی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶۴).

شهرهای اسلامی از چندین محله متمایز که بر اساس قومیت، مذهب، تجارت و یا کاربری به وجود آمده‌اند، تشکیل شده‌اند؛ به طوری که ساکنان محله به محل زندگی خود علاقه و وابستگی خاصی داشته‌اند. در این مورد، لاپیدوس می‌گوید: «جامعه محلی جنبه مهمی از زندگی شهری مسلمانان (که مبتنی بر محله‌های همگن از لحاظ اجتماعی، مطابق با منشأ قومی یا قبیله‌ای، مذهب، تجارت، یا پیروان رهبران سیاسی و مذهبی بود) باقی ماند (دانتون،

اجتناب‌ناپذیر و فراوانی بر توسعه شهر بر جای گذاشته است. آداب و رسوم مذهبی، باورها و ارزش‌های آن - بویژه آن‌جا که با سازمان و اقتدار ربط پیدا می‌کنند - بر گردهمایی اجتماعی تأکید کرده‌اند و با کوچ‌گری (خانه به دوشی) و پراکندگی مخالف هستند. شهرهای اولیه اسلامی از قبیل فسطاط، تونس و رباط در مغرب به منظور تعلیم و آموزش اسلام برپا شدند و نقش ارگ یا دژ ایمان را ایفا کردند. آن‌ها متعهد به پذیرایی از نوکیشان (با نو گرویده‌ها به دین اسلام) بودند؛ همان‌گونه که مدینه پذیرای مهاجران مکه بود. این شهرها را دارالهجره نامیدند؛ یعنی مکانی که مسلمانان به آن‌جا می‌آمدند تا زندگی اسلامی را در عمل پیاده کنند. از طریق آن‌ها بود که اسلام تا آفریقای شمالی، قاره آسیا و جنوب اروپا گسترش یافت و در نتیجه شماری از شهرهای پر رونق، پدیدار شدند (غنی زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

شهرهای مسلمانان یا شهرهای ایجاد شده و توسعه یافته در دوره اسلامی، در اقص نقاط کشورهای اسلامی، طی قرون متمادی توسط آنان و بر مبنای اصول و معیارهای نشأت گرفته از تعالیم اسلامی شکل گرفتند. این شهرها عمدتاً به دو دسته عمده قابل تفکیک هستند: شهرهای به جای مانده از تمدن‌های پیش از اسلام و شهرهای بنا شده توسط مسلمانان.

#### الف. شهرهای به جای مانده از تمدن‌های پیش از اسلام



تصویر شماره ۱: دمشق در اوایل قرن هفتم میلادی و قبل از تصرف بدست مسلمین.

مأخذ: نقی زاده، ۱۳۷۴: ۴۸

۱. معبد ژوپیتر که به کلیسای سنت جان تبدیل شده بود، ۲. صحن مقدس، ۳. صحن زیارتگاه، ۴. آگورا که به فروم تبدیل شده بود به انضمام فروشگاه، ۵. خیابان ستوندار، ۶. تئاتر که به انبار تبدیل شده بود، ۷. دژ نظامی، ۸. کاخ بیزانسی، ۹. کلیسای بیزانسی، ۱۰. دروازه.



تصویر شماره ۲: استخوان بندی معابر دمشق در قرون اولیه اسلام

مأخذ: نقی زاده، ۱۳۷۴: ۴۹

۱. کلیسای سنت جان، ۲. مسجد اموی، ۳. قصر الخضراء، ۴. بازار، ۵. محله‌های مسکونی، ۶. قبرستان.

در این شهرها شاهد استحاله کالبد، فرم و سازمان فضایی شهرها هستیم، به نوعی که پس از مدتی کاملاً تغییر شکل یافتند. این شهرها، این سخن را که شهرهای مسلمانان همان شهرهای پیش از اسلام با اندکی تغییرات جزئی از قبیل تبدیل کلیسا و آتشکده به مسجد هستند، خط بطلان می‌کشند. برای نمونه می‌توان به دگرگونی تقسیم‌بندی کالبدی شهرهای دوره ساسانی<sup>۲</sup> اشاره کرد. همچنین در سایر بلاد نیز چنین استحاله‌ای رخ داد؛ استحاله و دگرگونی شهر دمشق نمونه بسیار گویایی است. تصاویر شماره ۱ و ۲ وضعیت شهر دمشق را پیش و پس از اسلام نشان می‌دهند.

#### ب. شهرهای بنا شده توسط مسلمانان

بنای این شهرها علل مختلفی از جمله مذهبی، نظامی و اراده شخصی داشت و می‌توان از شهرهایی همچون بصره، کوفه، فسطاط، کربلا، نجف و بغداد نام برد. بسیاری از شهرها، پس از نضج‌گیری هسته و سازمان نخستین توسط مردم، رشد و توسعه یافتند؛ شهرهایی مانند بصره، کوفه. در مقابل، شهرهایی که با امر شخصی خلیفه یا نیتی خودنمایانه و در تقابل با عقاید مردم، بنا می‌شد، غالباً پس از مدتی کاملاً از بین می‌رفت. شهر مدور منصور (بغداد) و شهر انجار ساخته شده توسط شاهزاده اموی در لبنان از این دسته هستند (نقی زاده، ۱۳۷۴: ۴۸).

تغییر قدرت سیاسی از نظام شورایی اسلام به رژیم‌های خودکامه، بویژه اواخر عثمانیان، منجر به انتقال اماکن سیاسی از مرکز شهر به کناره شهر به شکل دژ یا ارگ شد تا به این وسیله محافظت بهتری از حاکمان صورت پذیرد. نمونه‌هایی از این قبیل تدارکات را می‌توان در شهرهای آفریقای شمالی تحت نام کسبه یا قصبه یافت (غنی زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۴).

#### ۴. عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر اسلامی

شهر اسلامی یکی از مظاهر تمدن اسلامی است که در شکل‌گیری و استخوان‌بندی آن عوامل متعددی تأثیرگذار بوده‌اند. بدون شک شکل‌گیری فضاهای کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی، به شیوه‌های متعدد، از فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن متأثر بوده است. فضای کالبدی بیش‌تر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که بیانگر وجود روح مشترک در آن‌ها برآمده از مکتب الهی است. از سویی، فضای کالبدی متناسب با بستر فرهنگی، اندیشه‌ها، رسوم و سنن و ارزش‌های زیستی شکل یافته است و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و مبانی فکری و مبادی صوری، مفاهیم و تصاویری برخاسته از آیین‌ها، اسطوره‌ها، صورت‌های مثالی اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری فضاهای کالبدی، نمود یافته‌اند (حکمتی و کبیر، ۱۳۷۴: ۸۵). شهرهای اسلامی به تبع این آیه‌گرایی و ابعاد تمثیلی‌اش دارای ارزش‌های کیفی و کالبدی می‌گردد و بدین گونه ضرایب پویای معماری سنتی و اسلامی همواره به تفکر و احساس پیوسته می‌گردد و همراه با افکار، تخیلات و احساسات درونی انسان دگرگون می‌شود و معانی و مفاهیم خود را ابدی می‌نماید. بدین جهت است، که در فهم و بیان ضرایب دستور آن اشکال، دارای معانی و مفاهیم خاصی می‌گردد که گویای ادراک

انسان از جهان مادی و معنوی است. هر گوشه این شهرها دارای احساسی متفاوت و متنوع است. احساس آرامش، تواضع، تفکر، عظمت، نوآوری، تحسین، زیبایی و ... (هاشم زاده، ۱۳۷۴: ۵۰).

از منظری دیگر، باورها نیز می‌توانند بر چیدمان کالبدی شهر مؤثر باشند. به عنوان مثال، نوع نگاه به فضای عمومی مانند مسجد و جایگاه آن در برگزاری مناسک دینی و کارکردهای متعددی که می‌تواند داشته باشد موجب می‌شود در نقطه‌ای کانونی قرار گیرد تا دسترسی همگانی فراهم شود از این منظر، مسجد محور فعالیت‌های شهری است و موقعیت ویژه‌ای در مورفولوژی شهر دارد. هم‌چنین در شکل‌گیری و نحوه استقرار شهر اسلامی و چگونگی روابط اجزای تشکیل‌دهنده آن اصول سلسله مراتب، کثرت، وحدت، تمرکز و عدم تمرکز، تجمع، تباین، اتصال، توازن، تناسب، تداوم، قلمرو، سادگی، پیچیدگی، ترکیب، استقرار، زمان و ایجاز حاکم است. احکام دین اسلام برای زندگی پیروان خود قوانینی دارد که زندگی براساس آن صورت می‌گیرد. لذا نه تنها زندگی روزمره مردم از هر نظر تابع آن است بلکه از نظر کالبد شهری و چشم‌انداز جغرافیایی نیز متأثر از آن است.

بسیم سلیم حکیم (۱۳۸۱) در کتاب شهرهای عربی - اسلامی، فقه و شریعت اسلامی را به عنوان دستورالعمل ساختمان‌سازی در شهرهای اسلامی و کلید تفسیر و به کارگیری نظام شهرسازی اسلامی معرفی می‌کند. بدین سان که نظام ارزشی شریعت، باید در چارچوب فرآیند ساخت و ساز و توسعه شهری تفسیر و به کار بسته شود. وی در تحلیل دست‌اندرکاران و مجریان این نظام ارزشی به تصمیم‌گیری‌های حکام و شهروندان اشاره و آن‌ها را در مقیاس کلان و خرد تبیین می‌کند: «فرآیند پویای تصمیم‌گیری که در شهرها وجه همت قرار می‌گرفت در وهله نخست بر تصمیمات حکام و شهروندان متکی بود. تصمیمات حکام، ماهیتاً کلان مقیاس بوده و در غالب موارد دارای تأثیرات برنامه‌ریزی شده بر بافت شهر

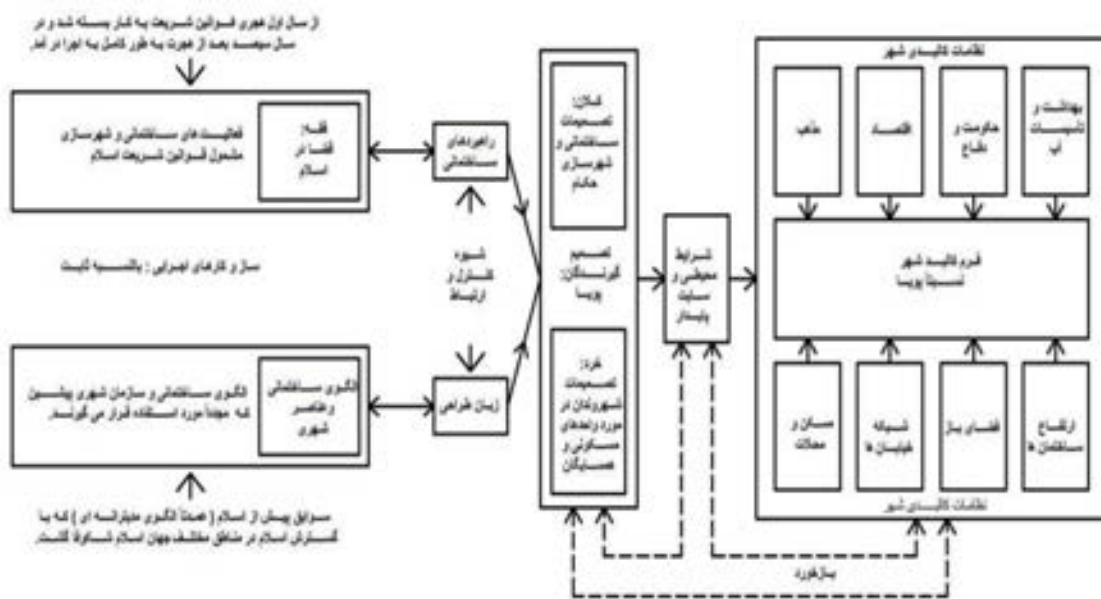
یا احداث یک باب مسجد جامع، مدرسه علوم دینی، امتداد یک خیابان و ... می‌باشد. به عبارت دیگر تصمیمات حکام دارای اثرات بالنسبه آشکاری بود. تصمیمات شهروندان ماهیتاً خرد مقیاس و دارای تأثیرات کمتر در مقایسه با تصمیمات حکام بود، اما تأثیرات کلی آن نهایتاً بسیار برجسته می‌نمود و زندگی بخش عمده‌ای از مردم را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌داد» (دانش، ۱۳۹۰). حکیم روابط متشکل از الگوهای مؤثر بر شکل‌گیری شهرهای سنتی اسلامی را این‌گونه ترسیم و ارائه نموده است (نمودار شماره ۱).

### ۵. مؤلفه‌های کالبد شکافی شهر اسلامی

برای بانیان و ساکنان شهر اسلامی، شهر به منزله انعکاس ارزش‌های اسلامی است. گذشته از تمام گوناگونی‌های متأثر از عوامل طبیعی، شهر در اسلام غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم و مسلط است، شکل مشخصی از معماری را ارائه می‌دهد. در این شرایط عوامل و اصول منبعث از فرهنگ دینی، شبکه قدرت‌مندی را ایجاد می‌کند که در صورت تعارض با عوامل بیرونی، به طرد و حذف آن می‌پردازد و جایگزین دیگری را برای آن می‌طلبد و یا آن که در صورت امکان آن را جذب و تعدیل می‌کند (خدائی، ۱۳۹۰). در بین محققانی هم‌چون حمدان (۱۹۶۲)، اکیلمن (۱۹۸۱)، حکیم (۱۸۷۶) و السید (۱۹۹۱)، نوعی اجماع کلی وجود دارد که شهر اسلامی دارای ویژگی‌های خاص زیر است:

#### ۵-۱. مسجد جامع

این مسجد در قلب شهر واقع شده و معمولاً سوق (یا بازار) آن را احاطه کرده است. مسجد جامع همواره به مثابه برجسته‌ترین عنصر معمارانه منبعث از دین اسلام، با جامعه همراه بوده است.



نمودار شماره ۱: الگوی ارائه شده توسط حکیم در ترسیم مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری شهر اسلامی  
 مأخذ: دانش، ۱۳۹۰ به نقل از حکیم، ۱۳۸۱: ۳۹

مسجد زیتونه در تونس و مسجد جامع در اصفهان از آن جمله‌اند. در این مسجد نماز جمعه برپا می‌شده و مدرسه‌ای همجوار آن تعالیم علمی و مذهبی را ارائه می‌داده است. مساجد، مهم‌ترین بنای مذهبی هر شهری بوده‌اند و همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته‌اند (کیانی، ۱۳۷۹: ۸). با توجه به این که دولت اسلامی در شهر تولد یافته و با توجه به این که تشکیل این دولت اولین بار در «مسجد» صورت گرفته، بنابراین وجود مسجد جامع به یکی از ویژگی‌های اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل شده است (حیبی، ۱۳۸۲: ۴۲).

مسجد به طور قطع، بنای مذهبی اصلی اسلامی است که والاترین کارکرد آن، عبادت جمعی است. مسجد به عنوان کانونی عبادی، اجتماعی و فرهنگی، هویت دیرپایی دارد که هرگز نمی‌تواند از ساختار اجتماعی و شهری آن جدا شود. سلسله مراتب ساخت‌بندی شهرهای اسلامی، سلسله مراتب فرم و نوع مساجد از پیوستگی کالبدی جدایی‌ناپذیری برخوردارند. در برنامه‌ریزی و طراحی شهری برای مردم مسلمان نمی‌توان کانونیت و محوریت مسجد را در سلسله مراتب و ارتباط هندسی و نظم کالبدی شهر از سرزمین‌های اسلامی، از بعد معماری تک بنایی به طور گسترده‌ای مورد بحث قرار داد؛ چراکه از زاویه برنامه‌ریزی شهری نیز به عنوان عنصری در فضای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی مد نظر بوده است

#### ۲-۵. سوق (بازار)

بازار، در خارج از مسجد اصلی قرار داشته و مرکز فعالیت‌های اقتصادی شهر بوده است. توزیع کالا و فروش آن از نظر مکانی اغلب از جنبه ماهیتی‌شان صورت می‌گرفته است. اقلامی مانند شمع، عطر، کندور و اقلامی که توسط کتاب‌فروشان و صحافان به فروش می‌رسد، در نزدیکی مسجد و بقیه کالاها در فاصله دورتری قرار داشته‌اند. ناحیه مرکزی نیز محل تجمع سایر فعالیت‌های عمومی از قبیل فعالیت‌های اجتماعی، اداری، تجاری، هنری و هنرهای دستی و حمام و هتل‌ها بوده است. به جز عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دینی، عوامل آب و هوایی نیز در شکل‌گیری کالبدی و پیدایش بازار نقش مؤثری داشته است (شقفی، ۱۳۷۸: ۶۹). هسته اولیه اغلب بازارها در نزدیکی یکی از پر رفت و آمد-ترین دروازه‌های شهر تشکیل می‌شد. گسترش بازار به داخل شهر از طریق مهم‌ترین راه‌های ارتباطی شهری منتهی به دروازه‌ها صورت می‌گرفت؛ به طوری که بازار تا مرکز شهر امتداد می‌یافت (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۸: ۲۸۶).

#### ۳-۵. ارگ

ارگ، به قصبه مشهور و نماد حاکمیت است. قصبه که دور تا دور آن دیوار داشت، مشتمل بر ناحیه‌ای شامل مسجد، باغ‌ها، دفاتر ساکنانش بود و معمولاً در بخش بالایی شهر نزدیک به دیوار قرار داشت.

#### ۴-۵. مناطق مسکونی و محله‌ها

مجموعه‌ای از خانوارهایی که کیفیت خاص زندگی‌شان بر نزدیکی و صمیمیت استوار است و در پیونددهی شخصی، منافع مشترک و وحدت اخلاقی مشترک آن‌ها متجلی است. این مناطق مسکونی عملاً مترکبم هستند و هر کدام دارای مسجد (که از آن برای عبادت روزانه استفاده می‌شود) مدرسه، نانوا، مغازه اشیا و لوازم ضروری مختص به خود است. محله‌ها هر کدام دروازه‌هایی داشتند که معمولاً پس از آخرین عبادت در شب بسته و پیش از آغاز نخستین عبادت صبحگاهی باز می‌شد. مناطق مسکونی در الجزایر و تونس از چنین نمونه‌هایی هستند. ذکر این نکته ارزشمند است که گرچه عامل چند قومیتی از جنبه واقعی و فیزیکی در شکل‌گیری متجلی بود، اما آنان از نظر اقتصادی و اجتماعی از یک نظام حقوقی پیشرفته برخوردار و در هم ادغام شده بودند. از این طریق مساوات همه گروه‌ها تأمین می‌شد. چنان که رسول خدا (ص) فرمودند: هیچ عربی بر هیچ عجمی برتری ندارد، مگر به تقوا. در حقیقت، شهر اسلامی را می‌توان مجموعه‌ای از مناطق و محله‌های همگن و متجانس دانست. گروه‌هایی که در این محله‌ها می‌زیسته‌اند، هویت، مذهب و قومیت خود را برای قرن‌ها همچنان حفظ کرده‌اند. جدایی بین این مناطق و یا مجموعه محله‌های شهر اسلامی، بسیار قوی است. اهالی هر محله با زبان، مذهب، حرفه، فامیل و اصل و نسب واحد و مشترک، کنار یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند. عدم تفکیک طبقات اجتماعی از خصیصه‌های بارز محله‌های شهر اسلامی است؛ به طوری که فقیر و غنی در محله‌ای مشترک زندگی می‌کردند. برای این موضوع دلایل زیادی وجود داشته است که مهم‌ترین آن احکام دین اسلام است که هم زیستی فقیر و غنی را تشویق می‌کند (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۷). محله‌های شهرهای اسلامی، در ساختار خود از وحدت جغرافیایی خاصی برخوردار هستند. بن‌بست‌ها، کوچه‌ها، گذرگاه‌ها و مراکز محله‌ها با عناصر عمومی دست به دست هم داده، به محله موجودیت می‌بخشند. هر یک از این اجزا، دارای ویژگی‌های خاص خود هستند که از جهت بافت سنتی شهرها، اهمیت به سزایی دارند. عناصر و فضاهایی همچون بازارچه‌ها، مساجد، حمام، سقاخانه‌ها، آب‌انبارها و در برخی از محله‌های معتبر، کاروان‌سرا و میدانچه و در شهرهای ایران گاهی زورخانه به خاطر تأمین نیازهای ساکنان هر محله به وجود آمده و در واقع به زندگی آن‌ها استقلال نسبی بخشیده است. اجزای محله را منازل مسکونی، بن‌بست‌ها، کوچه‌ها و بالاخره تأسیسات عمومی مرکز محله نظیر مساجد، عبادت‌گاه‌ها، بازارچه‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها و گاهی قهوه‌خانه‌ها تشکیل می‌داد. عناصر مزبور در سطح شهر به صورت یکنواخت پراکنده‌گی داشت و دارای حوزه نفوذ و عملکرد محدودی بود و آخرین نقطه نفوذ و حیطه عملکرد این عناصر را مرز محله‌ها تشکیل می‌داد.

#### ۵-۵. مدارس

مدرسه، مکانی برای آموزش فعالیت اجتماعی است که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می‌گیرد و نهادها و سازمان‌های ویژه‌ای را به وجود می‌آورد. پیش از اسلام، مراکز آموزشی مجاور کاخ‌ها و مراکز حکومتی یا آتشکده‌ها و نقاطی دور از مراکز تجاری قرار داشتند. در جوامع کهن، نهادها و تأسیسات اداری، مذهبی و بازرگانی از

مهم‌ترین عوامل فضاهای آموزشی بودند. به همین جهت، مراکز آموزشی اغلب در کنار تأسیسات اداری، مراکز مذهبی یا بازرگانی، نیروهای مورد نیاز خود را برای اداره امور تعلیم می‌دادند (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۱۸). پس از اسلام، آموزش و پرورش از انحصار طبقات ممتاز خارج شد و امکان تحصیل علوم متوسطه و عالی کما بیش برای عده بیش‌تری فراهم گردید. به تدریج همراه با گسترش و پیشرفت علوم دینی و طولانی شدن مدت تحصیل و لزوم اسکان طلاب، زمینه‌های پیدایش مدارس فراهم گردید. محل این مدارس بیش‌تر در پیرامون مسجد جامع، بازارها، محله‌های مسکونی و گاه میدان‌ها بود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۴۰۳). در صدر اسلام، تدریس علوم مذهبی در مساجد انجام می‌شد. بنابراین مساجد اولیه در حقیقت اولین مرکز آموزشی اسلامی بودند که در ایران و سایر بلاد اسلامی به طور گسترده‌ای رواج پیدا کردند. به تدریج با توسعه علوم اسلامی، فضای آموزشی از مدارس جدا شد (کیانی، ۱۳۷۹: ۹).



تصویر شماره ۳: نحوه انتظام خانه‌ها در کنار معابر (محله‌ای در مراکش)  
مأخذ: حکیم ۱۸۳۱: ۸۵

### ۶-۵. شبکه خیابانی

پیوند میان مناطق مسکونی و مکان اصلی از طریق شبکه باریکی از خیابان‌های پیچ در پیچ صورت می‌گرفته است؛ خیابان‌هایی که به خیابان‌ها و بن‌بست‌های شبه خصوصی، خصوصی و عمومی تقسیم می‌شد. معابر اصلی در حقیقت کوی‌های ممتدی بودند که محله‌های اصلی شهر را به یکدیگر متصل می‌ساختند.

شهر اسلامی از الحاق خانه‌های حیاط‌دار محصور به یکدیگر شکل گرفته است. آن چه به صورت وقفه در فاصله بین این خانه‌های به ظاهر نامنظم باقی می‌ماند به فضای شهری تبدیل شده است. پس کوچه بن‌بست که مشخصه این شهر است، در واقع تجلی محیط واحد خانوادگی است. حتی کوچه نیز ادامه خانه است و بیش‌تر به عنوان یک دالان داخلی تلقی می‌شود تا آن که معبری محلی برای داد و ستد و گردش باشد. این خیابان‌ها و کوچه‌های امتداد یافته تا جلوی در ورودی خانه‌ها، هیچ تصویری از ماهیت یا ابعاد محله ارایه نمی‌دهند. محله‌های مسکونی، غالباً دور از پهنه بازار و راه‌های پر رفت و آمد، با کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ برپا می‌شود. کوچه‌هایی که به هیچ‌وجه با خیابان‌های شهرهای اروپا، حتی محله‌های قرون وسطایی قابل قیاس نیست؛ چرا که تهویه و روشنایی خانه‌های مسلمانان از حیاط‌های درون خویش

تأمین می‌شود، نه از خیابان. در نقشه شهرهای اسلامی، در کنار خیابان‌های عمده سراسری، رشته بن‌بست‌ها و کوچه‌های پیچ‌پیچ قرار گرفته‌اند که راه آمد و شد خانه‌های انبوه و پرشمار هستند. این خانه‌ها، خرد و تنگ و به هم چسبیده و در عین حال مجزا از یکدیگر و خود بسنده و رو به آسمان هستند (دانش، ۱۳۹۰).

### ۵-۷. دیوار

دیوار مستحکمی با تعدادی دروازه، شهر را در بر می‌گرفت.

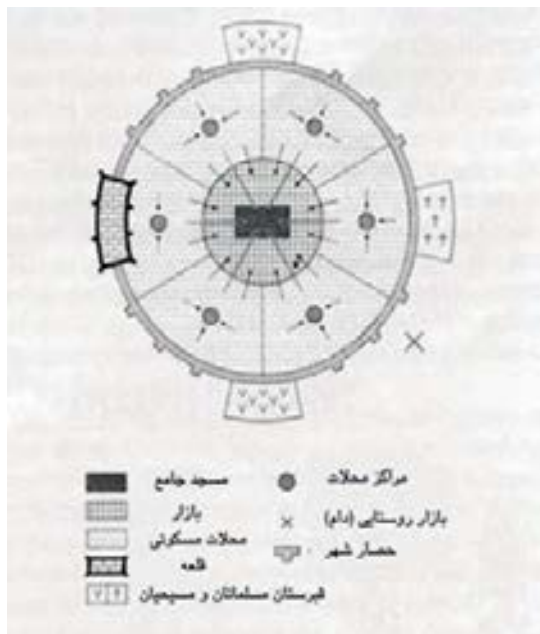
### ۵-۸. نمای خارجی

در بخش بیرونی دیوارها، قبرستان‌ها (قبرستان‌های مسلمانان و یهودیان) قرار داشتند. یک بازار هفتگی نیز در خارج از دروازه اصلی برپا می‌شد (غنی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۵-۲۰۴).

### ۶-۶. اشکال و الگوهای شهر اسلامی

#### ۶-۱. طرح شماتیک دتمان<sup>۲</sup>

جغرافی‌دانان آلمانی نخستین کسانی بودند که به تهیه الگوی شهر اسلامی مبادرت ورزیدند. از میان طرح‌های آن‌ها، طرح شماتیک دتمان نشان‌دهنده شهر اسلامی - شرقی مطلوب است. دتمان در طرح خود که در سال ۱۹۶۹ تهیه کرده بود، علاوه بر مسجد جامع، بازار را نیز به عنوان مرکز و قلب شهرهای اسلامی به تصویر کشیده است. معمولاً بنای مسجد جامع در شهرهای اسلامی همیشه در کنار بازار شهر قرار دارد. شایسته ذکر است که مکه، هم محل زیارت و عبادت بوده و هم بازار در آن قرار داشته است و ارتباط مسجد جامع و بازار در شهرهای اسلامی، شهر مکه را در ذهن انسان تداعی می‌کند.



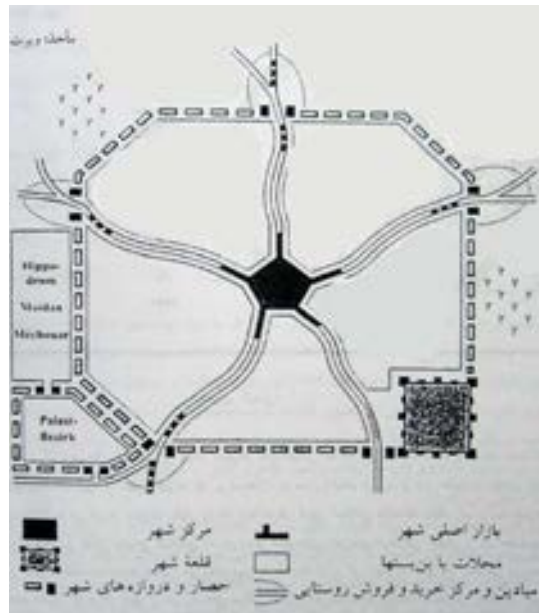
تصویر شماره ۴: طرح شماتیک دتمان  
مأخذ: شفق، ۱۳۸۷

بازار قلب اقتصادی و ستون فقرات شهر است و نه تنها محل خرید و فروش کالا، بلکه محل پیشه‌وری‌های مختلف نیز هست.

در بازار شهرهای اسلامی معمولاً هر رشته به یک نوع فعالیت اختصاص دارد که تحت عنوان تخصصی بودن بازارها از آن یاد شده است. در کمربند بیرونی بازار، معمولاً قسمت مسکونی شهر قرار دارد و هر گروه اقتصادی - اجتماعی، برای خود محله‌های خاصی به وجود آورده‌اند که براساس مذاهب، مشاغل، نژاد، زبان، قومیت و حتی گروه‌های اجتماعی ایجاد گردیده است. در این شهرها حصار شهر به صورت کمربندی، همه این عناصر شهری را در خود جای داده و دارای تعدادی دروازه است. قلعه دفاعی شهر نیز به حصار شهر، متصل است. در خارج از برج و باروی شهر، گورستان‌ها قرار دارند و هر گروه مذهبی دارای گورستان جداگانه‌ای است. بیرون از حصار، معمولاً بازارهای روستایی تشکیل می‌گردند. در تصویر شماره ۴، طرح شماتیک دتمان نشان داده شده است.

### ۲-۶. طرح شماتیک ویرث

مدل دیگری از شهرهای اسلامی را دیگر جغرافی دان آلمانی به نام ویرث، استاد دانشگاه آرلانگن تهیه و تنظیم نمود که بی‌شباهت به مدل دتمان نیست و در دو طرح اتفاق نظر دیده می‌شود. ویرث، بازار را نه تنها مرکز شهر اسلامی دانسته، بلکه آن را به عنوان ویژگی شهر اسلامی و عامل متمایز کننده آن از سایر شهرهای حوزه فرهنگی جهان و در حقیقت، شاخص این شهرها قلمداد کرده است. در مدل ویرث، بازارها از مرکز شهر به صورت شعاعی توسعه یافته و راه‌های اصلی از مرکز شهر و در راستای مراکز بازاری به سمت دروازه‌ها گسترش یافته‌اند. این راه‌ها که گذر نامیده می‌شوند، دارای عرض قابل توجهی است و معمولاً مراکز محله‌ها را در بر می‌گیرند (تصویر شماره ۵). در قسمت چپ و پایین این طرح، کاخ‌های سلطنتی قرار دارند که نمی‌توان آن را به تمام شهرهای اسلامی تعمیم داد، اما در مورد شهرهای شمال آفریقا صادق است.



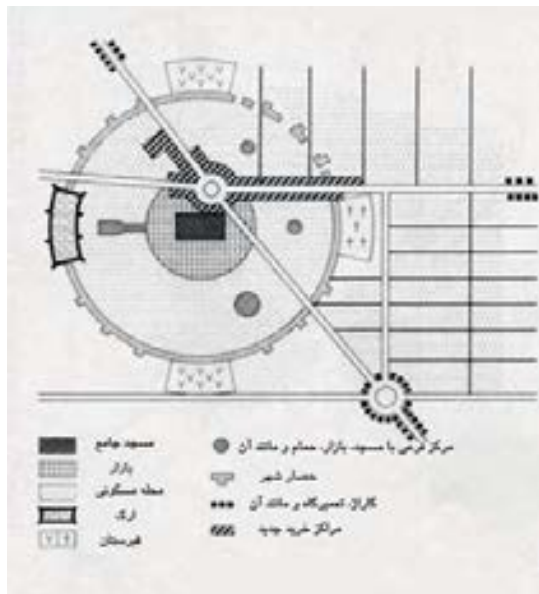
تصویر شماره ۵: طرح شماتیک ویرث  
مأخذ: شفق، ۱۳۸۷

### ۳-۶. طرح شماتیک اهلرس

سومین طرح شهرهای اسلامی، از جغرافی دان دیگر آلمانی به نام اهلرس، استاد دانشگاه بن در سال ۱۹۹۱ ارائه نمود. از مقایسه مدل اهلرس با دو طرح دیگر، به دو ویژگی جدید پی می‌بریم که عبارتند از:

- ۱- خیابان‌های تازه احداث شده که بافت شهری قدیم را تا بخش بازار قطع کرده و یکپارچگی بازار را به هم زده است.
- ۲- کمربند بیرونی جدید شهری که با نظم شطرنجی و در انطباق با وسایل نقلیه موتوری در خارج از حصار شهر پدید آمده است. در این طرح که با توسعه شهری جدید منطبق است، عواملی چون تعمیرگاه، پارکینگ و مراکز خرید جدید خیابانی دیده می‌شود. از مقایسه سه طرح یاد شده نتایج زیر حاصل می‌گردد:

- در شهرهای اسلامی، مراکز شهری را مسجد جامع و بازار تشکیل داده است.
- محلات مسکونی یا پیکر اصلی شهر، دورادور مرکز شهر قرار داشته است.
- شهرهای اسلامی در گذشته‌های نه چندان دور، دارای حصار و دروازه‌های بوده است.
- قلعه دفاعی شهر به حصار شهر متصل، ولی قبرستان‌های شهر در بیرون از حصار قرار داشته است.
- بازارهای روستایی که محل خرید و فروش دام و محصولات کشاورزی بوده، بیرون از حصار و نزدیک دروازه‌های شهر قرار داشته است. شایان گفتن است که از مدل‌های سه گانه، تنها مدل اهلرس با شهرهای اسلامی بویژه ایران امروز منطبق است.



تصویر شماره ۶: طرح شماتیک اهلرس  
مأخذ: شفق، ۱۳۸۷: ۲۱۳

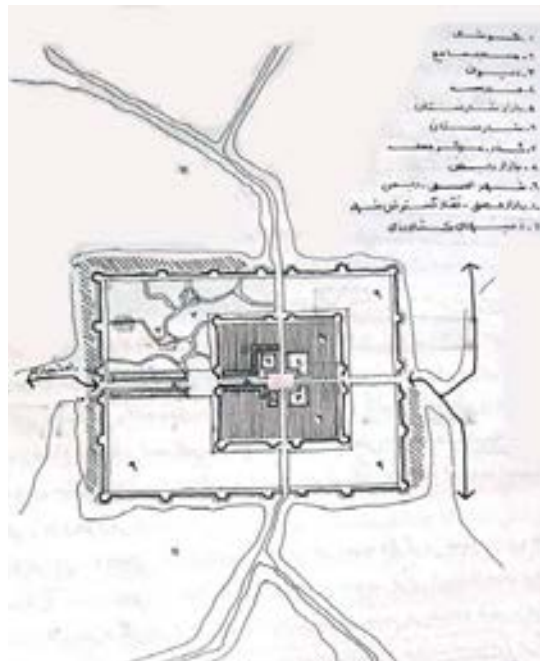
### ۷. الگوی شهری در ایران

به منظور تکمیل اطلاعات، الگوهای شهری جامعی را که توسط



سید محسن حبیبی برای شهرهای ایران تهیه و تنظیم شده، معرفی می‌کنیم. وی در مطالعات با ارزش خود، از هفت الگوی شهری در طول تاریخ ایران سخن گفته و آنها را ارائه نموده است. مشاهده نقشه الگوهای مزبور، تکامل شکل و الگوی شهری ایران را در دوره‌های تاریخی مختلف نشان می‌دهد.

این توصیف از شهر در دولت سامانی و در دوران اولیه اسلامی، نکته‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد: وحدت جدایی‌ناپذیر بین کشاورزی، تجارت و صنعت کماکان برقرار است و سه جامعه ایلی، روستایی و شهری در هم آمیخته‌اند. گونه‌ای از زیست و تولید مطرح است که تحت نظر مستقیم دولت سامانی کار اجتماعی سه جامعه را سازمان داده و تنظیم کرده بود. شهر و دهات در پیوندی منطقه‌ای و نظامی همبسته به یکدیگر گره خورده بودند. سازمان عشیره‌ای نه در تقابل با دو جامعه شهری و روستایی، بلکه در هماهنگی با آنها عمل می‌کرد. همبستگی بین فعالیت‌های متفاوت اقتصادی، وحدت اجتماعی کار را سبب می‌شد.



تصویر شماره ۷: الگو و کالبد شهری در اوایل سلطه اعراب بر ایران  
ماخذ: حبیبی، ۱۳۸۲: ۶۷

وحدت و جهان بینی حاکم سبب تحکیم روابط چند سویه بین شهر و روستاهای اطراف آن می‌گردید. تقسیم کار بین سه جامعه به روشی کاملاً متفاوت از آن چه در قرون وسطای اروپا در جریان بود، شکل می‌گرفت. بدین ترتیب در اواخر قرن سوم هجری قمری (دهم میلادی)، سازمان اجتماعی و بر مبنای آن سازمان شهری آن چنان مرحله‌ای از تکامل و تطور خود را طی کرد که علی‌رغم تحولات جهانی - از آن زمان تا به امروز - اصول این سازمان دهی تا قرن بیستم نیز کشانیده شده است. میدان‌های بزرگی ساخته شده که در اطراف آن دیوان‌های مختلف، کاخ حکومتی، مسجد اعظم (اغلب جامع) و بازارها برپا گردیده‌اند (حبیبی، ۱۳۸۲: ۶۴). مطالعه طرح

مزبور، بیان‌کننده این واقعیت است که شهرهای اسلامی، مستطیلی شکل بوده‌اند. در این مدل که عناصر مختلف شهری با اعداد مشخص گردیده‌اند، بخش مرکزی شهر شامل کوشک، مسجد جامع، دیوان خانه، مدرسه، بازار که مدل اغلب شهرهای اسلامی است، مشاهده می‌شود. در این طرح که به سده‌های نخستین اسلامی تعلق دارد، هنوز شارسستان به عنوان عنصری وسیع و قابل توجه، عملکرد خود را داشته است. مشاهده این مدل، طرح کلی شهر هرات را در ذهن تداعی می‌بخشد (شفقی، ۱۳۸۷: ۲۱۴-۲۱۰).

## ۸. شیوه زیست و هویت در شهر اسلامی از دیرباز تا کنون

حضور فرهنگ اسلامی در اقلیم‌ها و سرزمین‌های مختلف و نیز امکانات نامحدود ترکیب و تلفیق فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی، به‌عرضه نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم و مظاهر شهری در آن‌ها منجر شده است. عناصر و بناهای مختلف موجود در شهرهای سنتی اسلامی در کلافی از معابر و شریان‌های ارتباطی، مجموعه واحد سازمان یافته و شکل گرفته‌ای می‌سازند. این فضا با پیچ و خم‌های محافظ آن، به شکل فرم‌های مدور حلزونی است که با نقشه گسترده شهر اروپایی در تضاد است. راه‌های ارتباطی که گاه مخفی هستند، از تمام شهر، خانه واحدی می‌سازند. بدین ترتیب شهر صرفاً به عنوان معماری مطرح نیست، بلکه با کسانی که در آن زندگی می‌کنند مطرح می‌شود. خود کلمه شهر، جامعه‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد که باید منسجم، گرم و متحد باشد. در این صورت خیابان‌ها و کوچه‌ها به منزله راهرو و خانه‌ها به منزله طاق‌هایی هستند که یک خانواده از آنها استفاده می‌کند. تمام شهر یک خانه را تشکیل می‌دهد (بمات ۱۳۶۹: ۸-۸۷).

محله‌های شهرک‌ها و شهرها، معمولاً با یک خیابان اصلی از جوامع متجانس و کوچک گروه‌های مذهبی و قومی و حرفه‌ای شکل می‌گرفت و احساس همبستگی شدید گروهی، تعهد و رسالت اجتماعی در بین آنها جریان داشت. مهاجران هر روستای خاص و یا هر منطقه ویژه در شهرها محله خاص خود را داشتند. محله‌های شهری از پدیده‌های باستانی و متداول در شهرهای اسلامی بر شمرده می‌شدند. پلان‌های سده هشتم بغداد المنصور، حاوی تدارکاتی برای هر یک از محله‌ها بود و هر کدام از آن‌ها بازارچه و کارگاه‌های مورد نیاز خود را داشتند. محله‌ها بر اساس پایگاه اجتماعی تقسیم نمی‌شد. هر کدام از آن‌ها هسته کوچکی از حیات فقیر و غنی بود و مساجد، چشمه‌ها، حمام‌ها، گرم‌خانه‌ها و بازارهای خاص خود را داشتند و در شهرک‌های روستایی هم آسیاب‌ها و خرمن‌کوب‌ها تعبیه شده بود. محله از نظر مأموران دولت یک واحد دیوانی و مالیات‌گیری بود یک نفر کلانتر و رییس و مشاور داشت و در ایام آشوب و نابسامانی هم واحدی تدافعی محسوب می‌شد. با این که محله دارای شبکه فشرده‌ای از مناسبات گروهی و دارای امنیت و هویت اجتماعی بود، ولی همواره بین این خودبسندگی و تمایز اجتماعی و شرکت محله در امور عمومی و اقتصادی شهر تعاملی وجود داشت. گو این که در

هنگام شب و ایام نابسامانی از دروازه محله‌ها محافظت به عمل می‌آمد. اما به لحاظ معماری چندان محکم نبود و به طور طبیعی با بناها و محله‌های مجاور پیوند داشت. ساکنان یک محله معمولاً دامنه ارتباط خود را در همه جهات می‌گستراندند و پشتیبان همسایگان خود بودند. افراد هر محله با این که با حیات محله‌شان رابطه تنگاتنگی داشتند، اما به یک واحد دیگر یعنی خانواده، واحد اساسی و نامتغیر حیات اجتماعی نیز وابسته بودند (دانش، ۱۳۹۰).

شهر استانبول به عنوان نمونه‌ای از شهر اسلامی، در بردارنده تفکرات عمیق دین مبین اسلام بود و تأسیسات و امکانات به گونه‌ای سامان‌دهی شده بود که افراد نیازمند و فقیر جامعه نیز در درجه اول بتوانند نیازهای بنیادی خود را چون مسکن، کار، رفاه و فرهنگ در آن باز یابند و شهروندان به عنوان استفاده‌کنندگان اصلی از محیط، با رعایت اصول پاکیزگی و بهداشت در تمامی فضاها به بهترین نحو زندگی کنند. نکته قابل توجه دیگر اولویت‌هایی بود که در تجلیات کالبدی شهر وجود داشت و براساس آن بناها و فضاهای اصلی شهر سازی اسلامی مانند مساجد، مدارس، مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها در جایگاه واقعی خود استقرار می‌یافتند. آنچه امروزه با عنوان بحران و ناهماهنگی در ساختار شهرهای اسلامی از آن یاد می‌شود، نتیجه‌ای است که در پی گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های غیر بومی به پیکره فرهنگی جوامع در دهه‌های اخیر به وجود آمده است. تداوم سیر تاریخی و اصیل اولیه، راهبردی است که می‌تواند در تبلور مجدد مفاهیمی همانند مفهوم شهر اسلامی راهگشا باشد. در حال حاضر با توسعه برون‌زای شهر استانبول که از اوایل قرن بیستم شروع شده است و تاکنون نیز ادامه دارد و همچنین با ورود فرهنگ غربی، تأثیرپذیری از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه غربی، استانبول به عنوان نماد شهر شرقی و اسلامی، بار دیگر در تقابل اجتناب‌ناپذیر با فرهنگ غرب قرار گرفته است. گویی در طول تاریخ سرنوشت، این شهر در برخورد با دیدگاه‌های مدنیت شرق و غرب قرار گرفته است. بنابراین هرگونه تلاشی برای باز یافتن هویت اصیل اسلامی آن، ناگزیر توجه و بازنگری نکات و ویژگی‌های یاد شده است.

### نتیجه‌گیری

شهر اسلامی صورتی ذهنی و مفهومی یگانه است که مبانی، ارکان، الگو و صفات آن از کلام الهی قابل دریافت و تدوین است. این صورت ادراکی با توجه به شرایط دوران و سرزمین (اعم از شرایط و امکانات اقتصادی، فن‌آوری، سیاسی، آداب، رسوم، سنن و ...) به شرط عدم تقابل و تناقض با تعالیم، اصول و ارزش‌های اسلامی، مصداق و تجلی و جلوه خاص خویش را دارد. به این ترتیب، هر شهری به اندازه‌ای اسلامی است که: بتواند آن "شهر اسلامی" را که ساخته شده و مدیریت شده توسط "انسان کامل" و محل زیست اوست را متجلی و متجسد سازد. عالی‌ترین نسخه شهر اسلامی، شهر فضای حیات طیبه انسان که مطابق آن چه خدایش گفته است و فطرتش به آن می‌خواند در زندگی دنیایی خویش مشی می‌کند.

بنابراین شهر اسلامی، شهری است که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود دارد و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی است و ویژگی آن در ارتباط با دین اسلام و از قرآن و سنت نشأت گرفته است. در شهر اسلامی نوعی ارتباط ذاتی، کلی و ساختاری بین هر یک از این عناصر و فضای مصنوع شهری و مناسبات فردی و اجتماعی مشاهده می‌گردد.

شهر اسلامی در ابتدا با نفوذ در پوسته تمدن‌های دیگر و با استفاده از جلوه‌های تجلی آن، نمود یافت تا نیازهای ابتدایی جوامع تازه مسلمان را پاسخ‌گو باشد. پس از آن، با نضج و استحکام یافتن فرهنگ اسلامی و گسترش حیطه آن، نیاز به ساخت مستحدمات جدید افزایش یافت و شهرهای گذشته گسترش پیدا کردند و شهرهای جدید در نواحی مختلف برپا شدند. با پراکنده شدن نوای وحدت‌گرایی این آیین، شهر نیز جلوه‌های حقیقی و معنوی یافت و با رعایت اصولی همچون سلسله مراتب، حریم خصوصی، نظم، تعادل و ... در کالبدی پیچ در پیچ، سعی در همسازي با این فرهنگ داشته است. بدین ترتیب قالب شهر اسلامی شکل گرفت و تا قرن‌ها به حیات خویش ادامه داد. بنابراین تعبیری همچون بی‌نظم و غیر عقلانی برای شهرهای اسلامی، تعبیری نابه‌جاست و ناشی از درک نادرستی از نظام فرهنگی اسلام است. اگر پذیرفته شود که شهر پیچ در پیچ و معابر بن بست، مسأله‌ای فرهنگی و در جهت اولویت‌بخشی به فضای خصوصی اندرونی و ایجاد سلسله مراتب بوده است، حتماً این طرح‌ها ساختارمند، عقلانی و منظم جلوه خواهند کرد.

آن چه امروزه با عنوان بحران و ناهماهنگی در ساختار شهرهای اسلامی از آن یاد می‌شود، نتیجه‌ای است که در پی گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های غیر بومی به پیکره فرهنگی جوامع در دهه‌های اخیر به وجود آمده است. تداوم سیر تاریخی و اصیل اولیه، راهبردی است که می‌تواند در تبلور مجدد مفاهیمی همانند مفهوم شهر اسلامی راهگشا باشد. طراحان و هنرمندان متعهد این عرصه باید علاوه بر توجه به راهبرد اصلی و مهم یاد شده و تلاش در جهت پیوند مجدد با هویت فرهنگی و حرکت در مسیر آن، به احیا و تعریف مؤلفه‌ها و قالب‌های قابل ارائه در بنیان نهادن شهرهای جدید اسلامی بپردازند. هر چند طراحان و برنامه‌ریزان شهری در ابتدای امر و در رویارویی با برخی مباحث و فرایندهای مدرن شهری - که غالباً غیر بومی و وارداتی هستند - باید به حل فوری مسائل مهم و ضروری موجود جوامع شهری اقدام کنند. مسائلی هم چون ورود اتومبیل به فضای شهرها و به تبع آن، نیاز به ساختار جدید حمل و نقل و از هم گسیختگی بافت غالب شهرهای قدیمی و یا نحوه شکل‌گیری و مکان‌یابی مراکز تجاری که جایگزین مفهوم سنتی بازار شده از جمله این موارد است. هم‌چنین درنگی در مفاهیمی همچون مقوله بلند مرتبه‌سازی و باز تعریف مفهوم محله و خلق مفهوم جدیدی از مجتمع‌های زیستی با توجه به نیازها و اهداف جامعه شهری اسلامی از دیگر مباحث قابل تأمل امروزی است.

- سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۷۱)، «شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست سال ۱۳۲۰-۱۳۰۰»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵.

- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴)، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، آگاه، تهران.

- شکرانی، رضا (۱۳۸۷)، «مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی»، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

- شقفی، سیروس (۱۳۷۸)، «نقش بازار در ساختار فضایی شهرهای اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۲ و ۵۳.

- شقفی، سیروس (۱۳۸۷)، «پیش‌درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی»، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

- شکویی، حسین (۱۳۷۴)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سمت، تهران.

- ضرابی، اصغر، یونس، غلامی بامرغ و مسعود، حاج بنده افسوسی (۱۳۸۷)، «بررسی تاریخی از ساختار کالبدی شهرهای اسلامی با تأکید بر ایران»، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

- غنی‌زاده، مسعود (۱۳۸۵)، «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی»، مجله راهبرد یاس، شماره هفتم.

- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹)، معماری ایران دوره اسلامی، سمت، تهران.

- مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۸)، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۴)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵، دانشگاه تهران، تهران.

- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، مانی، تهران.

- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، مجله شهر ایرانی - اسلامی، شماره یکم، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران.

- هاشم‌نژاد، هاشم (۱۳۷۴)، «جستجوی ضراب نهفته در میراث کهن»، اولین کنگره، تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی ایران، کرمان.

- Fischel, IW (1956), *The City in Islam, in Middle Eastern Affairs*.

- Hassan, M.G.S (1972), *Islam and Urbanization in the Medieval Middle East, in Ekistics*.

کلام آخر این که حفظ هویت و بافت شهرهای سنتی اسلامی به عنوان الگویی برای مطالعه و پژوهش ضروری است. در این باره، کنترل جمعیت ساکن در آن، نظارت بر ساخت و سازهای غیر اصولی و ناهمگون، کاهش عوامل ترافیک‌زا و نامأنوس با معابر شهری و ... از جمله تمهیدات سلبی است که تا حدی از تخریب و انهدام این بافت‌ها جلوگیری می‌کند. هر چند این اقدام‌ها به عنوان اقدام‌هایی سریع و اولیه لازم است، اما نباید منحصرآ مورد توجه باشد. حفظ، مرمت و احیای اصولی و قاعده‌مند این آثار، قدم دیگری است که در جهت حیات سودمند این بافت‌ها، تأثیرگذار خواهد بود. این همه در درجه اول نیازمند فرهنگ‌سازی است تا همگان را متوجه ضرورت امر کند و نظارت و دقت همگان را موقوف خویش سازد.

### پی‌نوشت‌ها

۱- باید دانست که جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت برادری است که آثار شرعی و حقوقی و قانونی نیز دارد (طباطبایی، ج ۱۸، ۱۳۶۷: ۴۷۲-۴۷۰).

۲- در مورد ویژگی‌های شهرهای ساسانی رجوع شود به پیرنیا (۱۳۷۲) و حبیبی (۱۳۸۲).

3- Dettman

4- Wirth

### فهرست منابع و مراجع

- ایازی، سید علی نقی (۱۳۸۷)، «تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون دینی»، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- بemat، نجم‌الدین (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲)، از شار تا شهر، دانشگاه تهران، تهران.

- حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱)، شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمان، ترجمه محمد حسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

- خدائی، زهرا (۱۳۹۰)، شخصیت شهر اسلامی، ارائه سمینار درس فرهنگ و شهرسازی اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتم‌نژاد، نیکا، تهران.

- دانتون، مارتین (۱۳۸۳)، مفهوم اجتماعی مکان؛ شهر در غرب و جهان اسلام، ترجمه مهدی افشار، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

- دانش، جابر (۱۳۹۰)، «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی»، مجله شهر ایرانی - اسلامی، سال اول شماره یکم، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران.